

پیام کنگره سوم حزب کمونیست کارگری به کارگران ایران

بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض. یک جامعه سوسیالیستی. کنگره سوم حزب کمونیست کارگری بر نقش تاریخساز طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری در شکل دادن به آینده ایران و فرصت کم نظیری که برای ایفای نقش کارگر و کمونیسم بعنوان رهبر یک جنبش عظیم برای آزادی و برابری در ایران فراهم شده است تاکید کرد.

در دنیای سرمایه داران، در قوانین شان، در مناسبات اقتصادی شان، در فرهنگ شان، در تک تک خشتهای نظام ضد بشری سود و سرمایه، کارگر را با بیحقوقی و محرومیت و فرودستی و بی تامینی و رنج معنی میکنند. اما بیش از یک قرن و نیم است که بشریت محروم نام کارگر و پرچم کمونیسم کارگری را با آزادیخواهی، مساوات طلبی،

آزاد اندیشی، عدالت اجتماعی، خرافه ستیزی و رفاه و رهایی تداعی میکنند. اکنون یک فرصت کم نظیر تاریخی فراهم شده است که طبقه کارگر در ایران به یک قرن سلطه احزاب رنگارنگ طبقات حاکم به زندگی مردم و مقدرات جامعه پایان بدهد. این فرصت فراهم شده است تا کارگر و کمونیسم نمونه شکوهمندی از یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی را در ایران بنا کند و در سالهای نخستین قرن جدید جلوی چشم متمم جهان قرار بدهد. برای ایفای این نقش، برای سازماندهی و رهبری یک انقلاب عظیم علیه جمهوری اسلامی و سرمایه به میدان بیایید.

حزب کمونیست کارگری پرچم این دنیای بهتر را برافراشته است. به حزب کمونیست کارگری، حزب انقلاب کارگری، بپیوندید.

آزادی برابری حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی،
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
کنگره سوم حزب کمونیست
کارگری ایران

تر به نتیجه برسد. کارگر و کمونیسم رهبر بحق جنبش توده ای برای سرنگونی این حکومت است. اکنون دوران سرنگونی آغاز شده است. کنگره حزب کمونیست کارگری بر عزم قاطع ما برای حضور در صف مقدم این مبارزه تاکید نمود. اما این تنها نیمی از تصویر است

رفقا، تحولات امروز ایران فقط بر سر بود نبود رژیم اسلامی نیست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. آن آینده دارد امروز ساخته میشود. انتخابی بزرگ دارد صورت میگیرد. این آینده میتواند، اگر ما شکست بخوریم، تکرار همان گذشته نکبت بار سلطنتی و اسلامی در قالبی جدید باشد. اما اگر پیروز بشویم، و میتوانیم بشویم، آنگاه این آینده شاهد برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی خواهد بود. جامعه ای بدون استثمار،

رفقای کارگر درودهای گرم و پرشور کنگره سوم حزب کمونیست کارگری را بپذیرید. یکبار دیگر جامعه ایران در آستانه تحولات تاریخساز قرار گرفته است. دوران پرتلاطمی آغاز شده است. دوره بیداری، دوره بپاخاستن توده های عظیم مردم برای بدست گرفتن سرنوشت خویش، دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت. جمهوری اسلامی رفتنی است. این را دیگر کودن ترین مدافعان خود این حکومت نیز فهمیده اند. مردم حکم به سرنگونی این نظام داده اند و دست بکار بزرگ کشیدن آن شده اند.

طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری باید تضمین کند که مبارزه برای بزرگ کشیدن رژیم نکبت بار اسلامی هرچه گسترده تر، هدفمندتر، قدرتمند تر به پیش رود و هرچه سریعتر و کم مشقت

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: منصور حکمت
www.haftegi.com

۲۸

۲۷ آبان ۱۳۷۹
۱۷ نوامبر ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

دیدار و گفت و شنود
با رهبران حزب
کمونیست کارگری
پس از کنگره سوم

از اتحادیه های کارگری سراسر
جهان تا مجمع عمومی
کارگران خباز سنندج

در دفاع از محمود صالحی

صفحه ۴

یادداشت های سیاسی

در حاشیه هفته

صفحه ۲

منصور حکمت

نامه سرگشاده مینا احدی

از زنان تن فروش عراق حمایت کنید

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

حجاب و "ارتداد"



ابراز نگرانی نکنند که چگونه زنان و دختران با مبارزه علیه حجاب اسلامی پایه های حکومت اسلامی را به لرزه در می آورند. کار به جایی رسیده است که بخشی از جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده که این جنگ را باخته است.

صفحه ۳

گرفته است. حجاب اجباری، همان "یا روسری یا توسری" مشهور، از اولین روزها مهمترین شعار و ابزار سرکوب و حاکمیت این رژیم بوده است. حزب الله چرخانی علیه زنان بی حجاب، اسید پاشی بصورت زنان، تیغ زدن و اعمال وحشیانه نظیر اینها، از ابداعات و افتخارات حکومت اسلامی (از جمله بخشی که امروز خود را اصلاح طلب می داند) بوده است. حجاب اسلامی لوگوی

سران جمهوری اسلامی در کش و قوس اند که آیا به یک آخوند که میگویند گفته است "حجاب اختیاری است"، حکم "ارتداد" بدهند، یا خیر. اگر ایشان، اشکوری، حکم ارتداد بگیرد - که ظاهرا مجازاتش در دین مبین اعدام است، آنوقت نزاع جناح های جمهوری اسلامی میتواند وارد مرحله نوینی شود. صرف نظر از این جنبه، نکته مهم اینست که دعوی "مرتد کیست" بر سر موضوع حجاب شکل

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

رادیو انترناسیونال

۹ تا ۹/۴۵

بوقت تهران

۴۱ متر

۷۵۲۰ کیلوهرتز

به دیگران اطلاع بدهید

تلفن

0044 771 461 1099

مرکز اطلاعات

و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

یادداشتهای سیاسی

در حاشیه هفته

mhekmat@yahoo.com

منصور حکمت



"محاکمه" شرکت کنندگان کنفرانس برلین

صحنه های محاکمه شرکت کنندگان کنفرانس برلین از هر نظر رقت بار است. این قبل از هر چیز یک لات بازی و قمه کشی عیان و یک نمایش ارباب است. یک عده را بجرم سخنرانی در یک مجمع و بیان نظراتشان زندان انداخته اند و تهدید به خشونت میکنند، دو نفر زندانی سیاسی قبلی (صدر و رستم خانی) با پیشینه تعلق به یک سازمان چپ در یک دهه قبل را دوباره دستگیر کرده اند و جلوی چشم همه با پرونده سازی به کنفرانس برلین وصل کرده اند تا دادگاه کاندید کافی و مناسب برای صدور حکم اعدام و خونریزی و نمایش سببیت داشته باشد بدون آنکه به عموزاده های دوم خردادی خود سخت بگیرد. دلاوران دوم خردادی یکی پس از دیگری بر سر ابراز وفاداری به حکومت و نظام و جانماز آبکشیدن و فحاشی به حزب کمونیست کارگری و مردم مخالف حکومت با هم مسابقه گذاشته اند. اینها البته راست میگویند، اسناد کنفرانس برلین نشان میدهد که اینها در مقابل اعتراضات مخالفان، از تریبون کنفرانس برلین از رژیم اسلامی و بقای آن مومنانه دفاع کردند.

این محکمه و این تصاویر، نمایش عجز و بن بست کل حکومت اسلامی است. نشان وقوف کامل سران این حکومت، از هردو جناح، به لاعلاجی موقعیت و شکنندگی کل حاکمیت است. اگر این حکومت هنوز با این پوکی، سستی و هراس، که تمام وجودش را فرا گرفته است، فی الحال سقوط نکرده است بخاطر اینست جنبش سرنگونی طلبی مردم هنوز بیشکل و نامنسجم است.

محاکمه نمایشی پرونده

کنفرانس برلین باید فوراً متوقف بشود و از همه متهمان رفع تعقیب و رفع مزاحمت بشود. اشکوری سخنگوی "سکولاریسم معمم" (که انصافاً از نظر محتوای نظراتش در مورد اسلام و جامعه و آزادی اندیشه، در چپ طیف اکثریت و راه کارگر قرار میگردد) ظاهراً جان در برده است. اگر چنین باشد جانش را مدیون آن عمامه است. اما جان سعید صدر و رستمخانی جدا در خطر است. باید مردم و افکار عمومی در ایران و غرب را در دفاع از آنها سریعاً بسیج کرد.

محمود صالحی؛

کارگران به میدان میایند

درحالیکه نورافکن های صنعت حقوق بشر روی "ژورنالیست دگر اندیش" و زندانی سیاسی آقای اکبر گنجی متمرکز شده است، زندانی سیاسی محمود صالحی، کارگر مبارز و حق طلب و یکی از رهبران اصلی کارگران خباز در کردستان در سباهجالیهای رژیم اسلامی در شرایط بسیار نامناسب جسمی اسیر است. دفاع از محمود صالحی، البته امر آزادیخواهان نیمه وقت و "گزینشی" در رسانه ها و نهادهای جنبش بین المللی دیالوگ تمدنها و حتی سازمانهای چپ خجالتی و مرعوب شده ایران که میپندارند قدرت تا ابد از لای عمامه و بیت آیات عظام و برنامه شامگامی و شبانگامی بی بی سی بیرون میاید نیست. اما قدرتی به مراتب عظیم تر پا به میدان دفاع از محمود صالحی گذاشته است. جنبش جهانی طبقة کارگر. از اتحادیه های کارگری اروپا و آمریکا و استرالیا و ژاپن، تا کارگران سقر و سنندج. جمهوری اسلامی با دستگیری محمود صالحی، و محمود صالحی هایی که یکی پس از دیگر از این پس به میان میدان مبارزه در ایران پا میگذارند، کار خود را خراب تر میکنند. هر تعرض به رهبران کارگری در ایران

اینکه در هر لحظه چه کسی جلوست ارزش خبری ندارد. این دیگر از جنس قمار و شرطبندی روی مسابقه سگدوانی است. هیجان انگیز است اگر شرط بسته باشید. اما "خبر" نیست. اگر شبکه های تلویزیونی آمریکا صبر کرده بودند تا نتیجه نهایی آراء شمارش شده را بعنوان یک خبر به مردم بدهد، اسکاندالی نشده بود. معلوم میشود رای در فلوریدا نزدیک بوده و باید بازشماری شود.

افتضاح واقعی انتخابات آمریکا، افتضاح دائمی و ذاتی

ای که تمام دیکتاتوریهایی پارلمانی بورژوازی در غرب بر آن بنا شده است اینست که این انتخاباتها نه بیانگر تمایلات و رای و خواست واقعی مردم است، و نه دولتتها و مقاماتی که از صندوق سر در میآورند نماینده مردم و معرفی تمایلات و ترجیحات آنها هستند. انتخابات و دمکراسی پارلمانی بطور کلی ابزار کسب مشروعیت برای قدرت سیاسی و حاکمیتی است که در اساس از جای دیگری نشات میگیرد و در جای دیگری سازمان مییابد. در حالیکه شرکت بام.و در یک جلسه کوچک هیات مدیره، بدون هیچ اعتبار نامه انتخاباتی، در پاسخ به نیازهای سود آوری ۴۰۰۰۰ هزار کارگر انگلیسی را در چند استان بیکار میکند، چندین شهر بزرگ را به رکود میکشد، و نسلی را به بی امکاناتی، اعتیاد، فقر و بی آینده میگذارد، یک ضربه چند صد میلیارد پوندی به قدرت خرید مردم میزند و به هیچکس هم جوابگو نیست، دولت منتخب و پارلمان منتخب بر سر ده میلیون پوند اضافه و کم کردن بودجه فلان اداره وارد شور پنجم میشود. دولتتها در این نظام انتخابی اند، اما قدرت سیاسی و حاکمین نه.

مردم هم این را فهمیده اند. افتضاح عیان انتخابات آمریکا این است که رئیس جمهور آتی آمریکا هرکه باشد فقط با رای ۲۲ درصد از افراد دارای حق رای در آمریکا به قدرت رسیده است. در این نظام هیچکس هیچوقت حتی بطور فرمال و عددی رای اکثریت مردم را ندارد. در این نظام زن نه کاندید میشود و نه شانس انتخاب شدن دارد. در این نظام از پیش برای سیاه پوستی که خود را کاندید ریاست

با انبوه تر شدن صف اعتراضی مستقل کارگران در ایران و رشد جنبش همبستگی بین المللی کارگری پاسخ خواهد گرفت. این هم جنبش حقوق بشر ماست.

انتخابات آمریکا؛

افتضاح کجاست؟

قتل شدن آراء ال گور و جرج دبلیو بوش در فلوریدا و کشمکش حقوقی و سیاسی بر سر شمارش آراء ظاهراً مایه سرشکستگی رسانه ها و حتی بعضی سخنگویان دموکراسی غربی شده است. برخی این را یک افتضاح مینامند. رسانه های بخاطر تخمین های آماری گمراه کننده و دست بدست کردن چندباره فلوریدا میان دو طرف در شب انتخابات به موضع عذرخواهی و انتقاد از خود افتاده اند. برخی دیگر این را نشان عتیقه بودن سیستم انتخاباتی آمریکا و عدم کارآیی اش میدانند. بعضی اصالت انتخابات را زیر سوال میبرند چون کاندیدای حائز اکثریت آراء در کل آمریکا (گور)، بخاطر سیستم کالجی ویژه انتخابات آمریکا به بوش که رای کمتری آورده است خواهد باخت. تا آنجا که به رسانه ها بر میگردد، این واقعه تاکیدی است بر جعلی بودن فرهنگ نوین خیرسازی و خیر پردازی که با پیدایش رسانه های بزرگ و تکنولوژی پخش زنده وقایع نضج گرفته است. کل مقوله خبر از معنی تهی شده است. اکنون دیگر اتفاقات حتی قبل از وقوع خبر محسوب میشوند. بیاد بیاوریم سه شبانروز روز در زندگی ژورنالیست جنگی کریستیان امانپور در سی ان ان را که لحظه به لحظه از ساحل تاهیتی خبر میداد که هنوز نشانی از ناوگان آمریکا نیست! مغازه ها و ادارات باز هستند و هنوز اتفاقی رخ نداده است! اعلام نتیجه نهایی آراء یک انتخابات بی شک یک "خبر" است، اما گزارش لحظه به لحظه شمارش آراء و

جمهوری کند گلوله ای در اداره ای کنار گذاشته اند. در این نظام همین رای هم با ۵۰۰ میلیون دلار هزینه تبلیغات و رشوه خریداری شده است. آدم عادی در این دنیای آزاد شانس شرکت در این انتخابات را ندارد. در این نظام هر چهار سال یکبار یکی از ۱۰۰ میلیون رای را به صندوق میاندازد تا اجازه دخالت در سرنوشت جامعه را بار دیگر رسماً و شرعاً به دیگران واگذار کرده باشید. انتخابات در دیکتاتوری پارلمانی لحظه اعمال اراده مردم نیست، لحظه سلب این اراده است.

فلسطین؛

از استقلال تا آزادی

دولت اسرائیل همچنان به جنگ ننگینش با کودکان فلسطینی ادامه میدهد. امروز (۱۶ نوامبر) هشت نفر دیگر از جمله یک کودک نه ساله را با گلوله کشتند. و تازه از خشونت فلسطینی ها به آمریکا شکایت میکنند! بیش از ۹۰ درصد از ۲۴۰ قربانی حوادث اخیر فلسطینی اند و بخش اعظم آنها کودکان و نوجوانان اند. این در قاموس هرکس یک جنایت جنگی است. یک نسل کشی است. این نمونه مجسم تروریسم دولتی است. در حالیکه سران دول غربی و سیاستگذاران رسانه ها همچنان به حمایت یکجانبه از اسرائیل و کتمان این حقایق ادامه میدهند، افکار عمومی در غرب و حتی خود خبرنگاران و گزارشگران غربی به نفع فلسطینی ها و علیه دولت اسرائیل میچرخد. بسیج ضد فلسطینی و ضد عرب در غرب پس از پایان جنگ سرد دیگر به صورت قابل ممکن نیست. این شکاف عمیق میان پروپاگاندا دولتی و برداشتهای مردم از وقایع جاری فلسطین، دیر یا زود بروز میکند. کودک فلسطینی ای که در راه مدرسه و یا در آغوش پدر زخمی اش جان میدهد، جامعه غربی را با ریاکاری ذاتی آراء حاکم و خط رسمی رودر رو میکند. جای تردید است که دول غربی بتوانند سالهای بیشتری به این حمایت کور و غیر انتقادی از اسرائیل در مقابل اعراب ادامه بدهند.

صفحه ۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید
www.radio-international.org

از صفحه ۲

یادداشت‌های سیاسی

به جلوس. این گام نه فقط ممکن است، بلکه اکنون دیگر اجتناب ناپذیر شده است. استقلال فلسطین تناسب قوا و چهارچوب تحول سیاسی در منطقه را بهبود میدهد. به نفع امنیت کودک فلسطینی و عابر اسرائیلی است. اما آزادی مردم فلسطین، خلاصی مردم اسرائیل از جنایاتی که بنامشان میشود و رهایی شان از موقعیت یک ملت ستمگر، خلاصی هر دو سو از تروریسم و نفرتی که قوم‌گیری و مذهب در هردو سوی این شکاف دامن میزنند به صرف استقلال فلسطین متحقق نمیشود. آزادی و رهایی در فلسطین و اسرائیل در گرو سوسیالیسم و سکولاریسم در کل منطقه است. در تشکیل کشور و یا کشورهای که در آن مردم مستقل از تعلقات و یا تصورات قومی و ملی و مذهبی خویش، بعنوان شهروندان متساوی الحقوق جامعه برسمیت شناخته شوند. استقلال فلسطین کمک میکند که نبرد طبقاتی در اسرائیل و فلسطین هردو اوج بگیرد. با استقلال فلسطین منطقه به چپ میچرخد.

استقلال فلسطین یک گام مهم

نامه سرگشاده به سازمانهای زنان و احزاب و شخصیتها و سازمانهای مدافع حقوق انسانی



حرمت و حقوق این زنان دفاع کرد. جامعه بین المللی موظف است که در مقابل این جنایت، قاطعانه بایستد.

نامه های اعتراضی خود را به سفارتخانه های عراق در کشور خودتان بفرستید و یک نسخه از آنها برای ما بفرستید.

مینا احدی

سخنگوی کمپین نجات جان زنان تن فروش عراق از طرف حزب کمونیست کارگری ایران کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران

۱۴ نوامبر ۲۰۰۰

minaahadi@aol.com

تلفن تماس

01775692413

دوستان گرامی، در ماه اکتبر سال ۲۰۰۰ تعداد زیادی از زنان تن فروش عراقی به دستور دولت صدام حسین در ملاء عام قتل شده اند. آخرین آمار حاکی از بیش از ۸۰ مورد بریدن سر زنان تن فروش دارد. گفته میشود که سر تعدادی از این زنان را چند روز بر سر در خانه هایشان آویخته اند.

این خبر هولناک در بسیاری از روزنامه ها و مجلات و از جمله گاردین و ایندپندنت و الحیات و روزنامه های چاپ اروپا منتشر شده است. این یک اتفاق روزمره نیست و در مقابل آن باید فوراً عکس العمل نشان داد. آمار مقتولین میتواند روز به روز بالاتر برود چرا که دولت صدام حسین دستور قتل زنان تن فروش را در همه عراق داده است. بدنبال محاصره اقتصادی وحشیانه و غیر انسانی دولتهای غربی و تحمیل فقر و فلاکت هر چه به مردم عراق، بدنبال مرگ هزاران کودک از بی دارویی و کمبود امکانات بهداشتی، و بخاطر وجود

از صفحه ۱

حجاب و "ارتداد"

امن تر آنست که آرام آرام عقب بنشینند. بخش دیگر، در مقابل میگویند که اگر حجاب از دست برود، اسلام و جمهوری اسلامی میروند. می گویند که بایدستند. اما توازن قوای بین اسلام و زنان، بین حجاب و بی حجابی هر روز بهم میخورد. وقتی مردم به خاطر فوتیال بیرون میریزند، روسری ها پس میروند. در کوه و هر جایی که از ماموران حکومت خبری نیست، حجاب تقریباً وجود ندارد. در سنجاق وقتی بر علیه جمهوری اسلامی تظاهرات میشود، زنان حجاب از سر بر میگیرند. در سینما باید مامور بگمارند تا حجاب سر جایش بماند. در کوچه، خیابان، اداره، مدرسه و کارخانه میزان حجاب اسلامی، نوع و شکل و شمایل آن، حتی رنگ آن شاخصی است از آنکه کدام طرف این

نبرد عجیب و عقب مانده ای که جمهوری اسلامی به زنان و کل مردم آن کشور تحمیل کرده است، دست بالا دارد.

در چنین شرایطی است که رژیم برای یک معمم، برای کسی که بارها اعلام کرده است که شخص خودش حجاب اسلامی را قبول دارد و در خانه اش بر سر زن و بچه هایش حجاب میگذارد ولی آنها را امر "اختیاری" میدانند(!؟)، حکم "ارتداد" را مزمزه میکند. هدف جمهوری اسلامی اینست که با بلند کردن چماق ارتداد و تهدید کیفر مرگ، "وحدت کلمه" در

مورد حجاب اسلامی را در بین "خودی" ها حفظ کند. تلاشی است برای حفظ توازن قوای شکننده در جنگ بر سر حجاب. اما خود این هم شاخص دیگری است از آنکه رژیم اسلامی تا چه حد در موضع ضعف قرار گرفته است. تا شکست کامل جمهوری اسلامی در جنگ بر سر حجاب چیزی نمانده است. زنان حجاب را پدور خواهند ریخت. و بهمراه آن خیلی سنت ها و قوانین و عادات عقب مانده مذهبی، ضد زن و مردسالارانه، و البته کل جمهوری اسلامی را.

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

سوئد فردا و پس فردا

دیدار و گفت و شنود با رهبران حزب کمونیست کارگری

پس از گنگره سوم

رود برای عموم آزاد است

استکهلم شنبه ۱۸ نوامبر ۳ بعد از ظهر

Kistaträff

میزبانان شما از کمیته مرکزی حزب

آذر مدرسی آذر ماجدی، فاتح شیخ،

رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی،

یوتبوری یکشنبه ۱۹ نوامبر ۲ بعد از ظهر

Folkethus, Järntoret

میزبانان شما از کمیته مرکزی حزب :

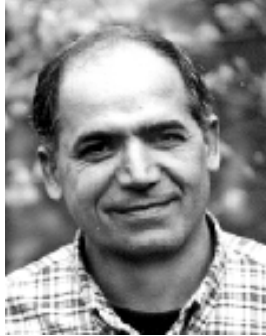
آذر مدرسی، مجید حسینی، آذر ماجدی،

مظفر محمدی رحمان حسین زاده،

تلفن اطلاعات : ۳۴ ۳۲ ۷۶۵-۷۰

کارگران خباز سندج الگوئی از یک همبستگی کارگری

اصغر کریمی



کارگری، بر دوش هر آدم سوسیالیست و بر دوش هر آدم آزادیخواه سنگینی میکند. تنها چنین حرکتی است که به فعالین کارگری، به رهبران اعتصاب، به سازمان دهندگان کارگران دل و جرات میدهد، اعتماد به نفس میدهد و به آنها امنیت بیشتری در برابر دست درازی حکومت میدهد.

حزب کمونیست کارگری حرکت بین المللی بزرگی سازمان داده و با تمام قوا به شکل

شرط پیروزی ما است. و آنجا که کارگری قد علم میکند، در جریان اعتصاب سینه سپر میکند، رودرروی کارفرما و انجمن اسلامی و نیروهای انتظامی و آخوند و فرماندار محل از کارگران، از خواستشان، از اعتصابشان دفاع میکند، بر ترس و دلهره و تردید در میان همکارانش غلبه میکند و زندان و محرومیت های بیشمار دیگر را بجان میخورد تا با چنگ و دندان از تشکل کارگران دفاع کند و به خاطر همه اینها به زندان میافتد جا دارد که از پشتیبانی گسترده و فعال همه کارگران برخوردار شود. محمود صالحی یکی از این فعالین کارگری است، بخاطر متشکل کردن کارگران برای بار پنجم به زندان افتاده است. اکنون باید از پشتیبانی بیدریغ کارگران در ایران و در جهان بهره مند شود. این وظیفه بر دوش هر کارگر و هر فعال

اصغر کریمی
کارگران خباز سندج دست به اقدامی سنجیده، بسیار بموقع و در عین حال شجاعانه زدند. در دفاع از رفیق همکارشان محمود صالحی مجمع عمومی تشکیل دادند، علیرغم تهدید مقامات حکومت اسلامی از طرف مجمع عمومی به فرمانداری نامه نوشتند و خواهان آزادی فوری محمود صالحی شدند. و به این بسنده نکرده. سه روز بعد از آن تظاهرات سازمان دادند و با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، محمود صالحی آزاد باید گردد به خیابان آمدند و همبستگی و پشتیبانی مردم آزادیخواه را هم جلب کردند. این حرکتی است که میتواند الگوئی برای همه مراکز کارگری در سراسر ایران باشد. اتحاد و همبستگی کارگری شرط ایجاد جنبشی قدرتمند و

دادن به جنبشی قدرتمند برای آزادی محمود صالحی مشغول است. اکنون از هندوستان و استرالیا، از آمریکا و کانادا، از آلمان و هلند و بلژیک و انگلیس، از دانمارک و سوئد و فنلاند و ... کمپین حزب جای خود را باز کرده است و جلو میروند. با حرکت درخشان کارگران خباز سندج و پیوستن شجاعانه شان به این جنبش، کمپین برای آزادی محمود صالحی گام مهمی به جلو برداشت. کارگران سندج الگوئی عملی و شدنی مقابل سایر بخشهای جنبش کارگری قرار دادند. در جنوب و شمال، در تهران و خوزستان، در اصفهان و آذربایجان، در کردستان و گیلان و مازندران، در نفت و ذوب آهن، در ماشین سازیها و صنایع فولاد، در آب و برق و حمل و نقل، در راه آهن و صنایع غذایی و در هر کارگاه و کارخانه ای، کارگران باید خود را در مبارزه برای آزادی محمود صالحی سهیم کنند و با صدور قطعنامه، با امضای تومار، با اعتصاب سمبلیک، با راهپیمائی و هر شکل مناسب دیگر به جنبش جهانی برای

آزادی رفیق همکارشان پیوندند. اعلام کنند که دستگیری فعالین کارگری تمام، که سرکوب کارگران و ممنوعیت اعتصاب و تشکل موقوف. باید جنبش قدرتمندی را سازمان داد و محمود صالحی را آزاد کرد. اینرا میتوان و باید به جمهوری اسلامی تحمیل کرد. پیروزی در این مبارزه، یک پیروزی برای محمود صالحی، برای خبازان سقز، و برای کل جنبش کارگری و حزب کمونیست کارگری به مثابه پرچمدار این جنبش است. این بخشی از تلاش برای شکل دادن به جبهه قدرتمند کارگران حول مطالبات کارگری و قرار گرفتن در راس جنبش آزادیخواهانه مردم برای سرنوشتی جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری تلاش خود برای شکل دادن به همبستگی جهانی کارگری برای آزادی محمود صالحی و شکل دادن به جبهه مستحکم کارگری در مقابل حکومت اسلامی را در ابعادی هرچه وسیعتر افزایش میدهد و همه بخشهای جنبش کارگری در ایران را به پیوستن فوری به این کمپین فرامیخواند.

مجمع عمومی خبازان سندج در دفاع از محمود صالحی

زنده باد جنبش مجمع عمومی

به انترناسیونال هفتگی کمک مالی کنید!

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746
اصغر کریمی 0044-771 4097928

کمیته کردستان:

رحمان حسین زاده دبیر کمیته 0046-739 855 837
محمد آستگران روابط عمومی 0049-177 569 2413

سازمان جوانان کمونیست:

بهروز مدرسی دبیر سازمان 0049172 295 7603

Website:

www.haftegi.com انترناسیونال هفتگی

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

عمومی این تهدیدات و شگردها را خنثی و این موضوع دوباره تاکید شد که برپایی مجمع عمومی و استفاده از آن بعنوان یک ابزار موثر سازمانیابی و دخالتگری کارگری با وجود استبداد و قلدری بورژوازی امری ممکن و عملی است.

در این حرکت مشخص این واقعیت برجسته تر شد که تناسب قوا به نفع جنبش اعتراضی کارگران و مردم بسیار تغییر کرده است. دوران فعال مایشائی جمهوری اسلامی و سرکوبگرهایش بسر آمده است. دوران اعتراض گستردهتر کارگران و مردم معترض علیه جمهوری اسلامی فرا رسیده است. مجمع عمومی سنگ بنای متشکل نمودن این اعتراضات در کارخانه و کارگاه و محله و دانشگاه و در هر مکان اعتراضی جامعه است.

جنبش مجمع عمومی را باید گسترش داد و دامن زد.

عمومی کارگران خباز در سندج لازم است مکث نمود.

رژیم سرایا جنایت جمهوری اسلامی محمود صالحی را در موقعیت وخیم جسمی در زندان نگه داشته است. مجمع عمومی فوقالعاده کارگران سندیکای خباز سندج به سهم خود عکس العملی مناسب به این شرایط است. مجمع عمومی به دور از پیچیدگی بوروکراتیک امکان این اعتراض بموقع و عاجل را فراهم ساخت. به ظرف طبیعی و در دسترس اعتراض و اقدام کارگران تبدیل شد. کارگران خباز سندج بار دیگر این نقطه قدرت پایهای مجمع عمومی را تجربه کردند.

اعلام علنی برپایی مجمع عمومی کارگران خباز از چند روز قبل دلهره و نگرانی مقامات رژیم در سندج را موجب شد. آماده باش نیروهای سرکوب و جنایت اعلام شد. فعالین کارگری و برگزار کنندگان مجمع عمومی برای دفاع از محمود صالحی با تهدید و فشار روبرو شدند. اما اراده جمعی و تشکیل مجمع

رحمان حسین زاده

سندیکای خبازان شهر سندج مجمع عمومی فوقالعاده خود را در دهم آبانماه سازمان داد و خواستار "آزادی فوری محمود صالحی" از زندان شد. این اقدامی سر راست و مهم در دفاع از رهبر سندیکای خبازان شهر سقز است. تلاشی است در جهت آزادی یک همکار و هم سرنوشت و یک فعال جافتاده جنبش کارگری در کردستان، که در سالهای اخیر به جرم دفاع از حقوق کارگران، متشکل کردن آنها و فعالیت در سندیکای خبازان سقز بارها راهی زندان رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی شده است. مجمع عمومی فوقالعاده خبازان سندج و تظاهرات بعدی آنها جایگاه مهمی در کمپین گسترده برای آزادی محمود صالحی در ایران و در سطح بین المللی دارد. علاوه بر این، بر چند جنبه آموزنده و مشخص برپایی مجمع